

## تأثیر پرونده هسته‌ای بر روابط سیاسی ایران با اتحادیه اروپا (۱۳۹۲-۱۳۸۸)

احسان یوسفی<sup>۱</sup>

### چکیده

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، روابط ایران با اتحادیه اروپا فراز و نشیب‌های بسیاری را تجربه کرده و به واسطه تحولات سازمانی این اتحادیه، ظهور متغیرهای جدید و تحولات منطقه خاورمیانه و تأثیر آنها، کمتر پیش آمده که روابط مذکور دارای ثبات و روندی رو به گسترش در یک بازه زمانی درازمدت باشد. روند مذاکرات و دیپلماسی هسته‌ای ایران و اروپا نشان می‌دهد که دوطرف هدف‌ها و انگیزه‌های جداگانه‌ای دارند. ایران برای خنثی‌سازی سیاست‌های خصمانه آمریکا و بهره‌گیری از فناوری هسته‌ای به ویژه چرخه سوخت، وارد مذاکره و چانه‌زنی با اروپا شده است. از سوی دیگر هدف اتحادیه اروپا اقناع ایران برای چشم‌پوشی از فناوری چرخه سوخت هسته‌ای با دادن امتیازات تشویقی است. به عبارت دیگر، اروپا نیز مانند آمریکا خواهان توقف یکسره غنی‌سازی اورانیوم و تولید سوخت هسته‌ای در ایران است؛ پرونده هسته‌ای ایران بعنوان نقطه کانونی مورد مناقشه ایران و اتحادیه اروپا قرار گرفته است تا جائیکه بر روابط سیاسی‌شان اثرات قابل ملموسی بر جای گذاشته است. در این مقاله در جستجوی پاسخ این سوال خواهیم بود که روابط سیاسی ایران با اتحادیه اروپا در سال‌های (۹۲-۸۸) چه تحولاتی را پشت سر گذاشته است. نوع روش این پژوهش، به شیوه توصیفی-تحلیلی و گردآوری اطلاعات با استفاده از روش کتابخانه‌ای بوده است.

واژگان کلیدی: انرژی هسته‌ای، اتحادیه اروپا، ایران، سیاست خارجی، مذاکرات هسته‌ای

## مقدمه

نخستین تلاش‌های بلندپروازانه ایران برای دستیابی به فناوری هسته‌ای به دهه ۵۰ میلادی باز می‌گردد، در راستای روابط ویژه‌ای که رژیم پهلوی با ایالات متحده برقرار کرده بود، درآمد. در سال ۱۹۵۸ عضویت آژانس بین‌المللی انرژی و در پنجم مارس ۱۹۷۰ آن را در مجلس شورای ملی به تصویب رساند. اما در نهایت با وقوع انقلاب و سرنگونی شاه، تحقیقات و فعالیت‌های هسته‌ای ایران با تغییرات بسیار مواجه شد. اگرچه در جریان انقلاب اسلامی عضویت ایران در آژانس و پایبندی به (NPT) و قرارداد پادمان همچنان حفظ شد، اما برنامه‌های هسته‌ای به دلایلی همچون عدم تمایل دولت به ادامه فعالیت‌ها، سرباز زدن شرکت‌های خارجی از تکمیل نیروگاه‌ها بر مبنای قراردادها، آغاز جنگ تحمیلی و ... به دست فراموشی سپرده شد. پس از پایان جنگ تحمیلی در سال‌های ۱۹۸۷ و ۱۹۸۸ بازسازی رآکتورهای سایت یک و دو بوشهر که در جریان حملات هوایی عراق آسیب دیده بود، از سرگرفته شد. هنگامی که شرکت کرافت ورک (Kraftwerk) زیر فشارهای آمریکا از اتمام نیروگاه بوشهر سرباز زد، کنسرسیومی مرکب از شرکت‌های آرژانتینی، آلمانی و اسپانیایی در اواخر ۱۹۸۰ آمادگی خود را برای اتمام نیروگاه بوشهر اعلام نمودند که طرح آنها نیز با فشارهای ایالات متحده ناموفق ماند. از این پس بود که نگاه جهانیان بیش از پیش به مسئله هسته‌ای ایران معطوف شد و تأسیسات آب سنگین اراک و غنی‌سازی اورانیوم نطنز بعنوان صحت ادعای کاخ سفید مبنی بر پیروی تهران از سیاستی در جهت دستیابی به تسلیحات اتمی تلقی گردید. با آغاز بحث پرونده هسته‌ای ایران، کشورهای اروپایی سعی کردند محوریت خود را در مناسبات میان ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی حفظ نمایند. سرانجام همراهی اروپا با آمریکا پرونده هسته‌ای ایران را به شورای امنیت ارسال نمود.

۱۱۸

در دولت نهم و دهم بازتعریف مجددی از غرب ارائه شد. جمع‌بندی از عملکرد غرب با جمهوری اسلامی آن شد که کشورهای غربی بیش از آنکه در پی تنش‌زدایی و همزیستی باشند درصد تسلیم و تمکین ایران هستند (دهقانی فیروزآبادی (ج)، ۱۳۹۱: ۵۲۰).

در دوره ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ روابط سیاسی و اقتصادی ایران و اروپا به نحو بارزی کاهش یافت. تبادل هیأت‌ها و رفت و آمدهای دیپلماتیک در حداقل خود قرار گرفت. اتحادیه اروپا، در ژوئن ۲۰۰۸ اعلام کرد تا زمانی که ایران به شفافیت و اعتمادسازی در برنامه هسته‌ای خود دست نزند، از برقراری روابط گسترده با آن خودداری خواهد کرد (خالوزاده و افضل‌ی (الف)، ۱۳۹۰: ۲۱). در مقاله پیش‌رو به دنبال این پرسش خواهیم بود که پرونده هسته‌ای چه تأثیری بر روابط سیاسی ایران و اتحادیه اروپا در بین سال‌های ۹۲-۸۸ گذاشته است؟ در این پژوهش نوع روش پژوهش، توصیفی و به شیوه توصیفی - تحلیلی و گردآوری اطلاعات با استفاده از روش کتابخانه‌ای بوده است. در این روش با مراجعه به کتاب‌ها، دائره‌المعارف‌ها، فرهنگ‌نامه‌ها، مجلات علمی، مقاله‌ها، و نیز اینترنت اطلاعات جمع‌آوری گردید.

## چارچوب نظری

در این پژوهش از چارچوب مفهومی جیمز روزنا برای ارزیابی و تحلیل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بهره گرفته شده است. بحث در این مقاله براساس چارچوبی مفهومی است که به لحاظ روشی و منطقی امکان توضیح متغیرها را در سطوح مختلف داشته باشد. باید توجه داشت که یکی از مهمترین کارکردهای نظریه، تفکیک متغیرهای مهم از غیرمهم است. لذا وقتی چارچوبی نظری خاص را بر می‌گزینیم به یک سری متغیرهای خاص تمرکز می‌کنیم و آن متغیرها را مورد توجه و بررسی قرار می‌دهیم. چارچوب روزنا این امکان را به صورت روشمند به ما می‌دهد تا مجموعه‌ای از متغیرها را بتوان برای تحلیل سیاست خارجی ایران مورد بررسی قرار داد. متغیرهایی که در ذیل به آنان اشاره خواهیم کرد شامل موارد ذیل می‌باشد:

متغیر فرد: متغیر فرد عبارت است از ویژگی‌های انحصاری تصمیم‌گیرندگان که شامل تمام جوانب تصمیم‌گیرنده است. روزنا معتقد است که خصایص فرد بیشتر در کشورهای توسعه‌نیافته، تازه استقلال یافته و کوچک مطرح است که فاقد نقش‌های سازمان یافته و نمادهایی بوروکراتیک بوده و در اصل جوامعی که رهبران کمتر تحت نفوذ و تأثیر افکار عمومی و گروه‌های ذی‌نفوذ قرار دارند.

متغیر نقش: این متغیر بدین معناست که مسئولان دولتی بدون توجه به خصوصیت فردی و انحصاری که در متغیر فرد به آنها اشاره شد، با تکیه بر سمت و جایگاهی که در حکومت دارند نسبت به موضوعی از خود ۱۱۹ واکنش نشان می‌دهند. جایگاه فرد در ساختار حکومتی و وظایف، مسئولیت‌ها و وفاداری‌هایی که براساس این جایگاه از او انتظار می‌رود، بر تصورات فرد از جهان و تصمیم‌گیری‌های او در عرصه سیاست خارجی تأثیر می‌گذارد. بطور کلی می‌توان نقش را اینگونه تعبیر کرد؛ تصویری که یک دولت، حکومت و یا یک فرد می‌پندارد که باید براساس آن عمل کند، نقش به ویژگی‌های رفتاری تعریف می‌شود که ناشی از مسئولیت‌های سیاستگذاری یک بازیگر است و هر فردی که چنین جایگاهی را پر کند، از او نیز رفتار مشابهی انتظار می‌رود. متغیر دولتی یا بوروکراتیک: متغیر دولتی، بدین معنا که به جوانب ساختاری دولتی اطلاق می‌شود. ساختار پیچیده یک دولت، روابط سازمان‌های درون دولتی و در نهایت، کارشناسان و متخصصان درون یک تشکیلات، تدوین کننده و ارائه دهنده پیشنهادها و خطوط کلی تصمیم‌گیری در سیاست خارجی می‌باشند و هیچ تصمیم‌گیرنده‌ای قادر نیست فارغ از این ملاحظات تصمیم‌گیری نماید، به ویژه در نظام‌های گسترده بوروکراتیک دولت‌های غربی، این عامل و متغیر بیشتر بروز می‌کند. منظور از این متغیر، نوع سیستم تصمیم‌گیری موجود در یک کشور و تأثیر این روش و سازوکار بر سازمان‌های دارنده استانداردهای هدایت شده و برنامه‌ریزی شده است که منجر به تصمیم‌گیری یا سیاستگذاری می‌شود.

متغیر اجتماعی: متغیر اجتماعی در اصل تمامی جوانب غیردولتی یک جامعه را شامل می‌شود که در روند اتخاذ تصمیم‌های سیاست خارجی دخیل است که ارزش‌ها، ایدئولوژی‌های حاکم بر یک جامعه ملی، گروه‌های ذی‌نفوذ و فشار و دیگر موارد را شامل می‌گردد. البته این عوامل در جوامع سنتی و مدرن دارای تضادهایی هستند، بطوریکه در جوامع مدرن احزاب و تشکل‌های تعریف شده‌ای وجود دارد که هم بر سیاست داخلی و هم سیاست خارجی تأثیرگذار هستند و همچنین دارای اهداف و برنامه‌هایی نیز در این خصوص می‌باشند، بطوریکه می‌توانند از طریق پارلمان، افکار عمومی و ... بر فرآیند تصمیم‌گیری اثر بگذارند.

متغیر سیستماتیک یا نظام بین‌الملل: دولت در روند تصمیم‌گیری از محیط اطراف خود نیز متأثر می‌گردد و واکنش به این نظام در محاسبه تصمیم‌گیرندگان منظور می‌شود که این نظام در اصل همان نظام منطقه‌ای و جهانی است که شامل قطب‌بندی‌های مختلف می‌گردد و همچنین نظام‌های بازدارندگی و موازنه قوا و یا توازن وحشت.

### نگاهی به پیشینه روابط

از زمان پیروزی انقلاب اسلامی، روابط ایران و اتحادیه اروپا تحولات و فراز و نشیب‌های مختلفی را تجربه کرده است. در برخی مقاطع روابط دوطرف بسیار سرد و پرتنش بوده و این در حالی است که در مقاطع دیگر، فضای مساعد و روند روبه‌رشدی بر روابط آنها حاکم بوده است. بطور کلی روابط ایران و اتحادیه اروپا را می‌توان در سه دوره زمانی مختلف بررسی و ارزیابی کرد:

مرحله اول: از زمان پیروزی انقلاب اسلامی تا اوایل دهه ۱۹۹۰ را شامل می‌شود. در این دوران مناسبات دوطرف سرد و غیردوستانه و فضای بی‌اعتمادی بر آنها حاکم بود. نزدیکی دیدگاه‌های اتحادیه اروپا به نظرات آمریکا مبنی بر اینکه ایران، تهدیدی برای منطقه است و نیز برخی موضوعات نظیر، مسأله سلمان رشدی، کلیت روابط دوطرف را به شدت تحت تأثیر قرار داده بود.

مرحله دوم: از اوایل دهه ۹۰ تا روی کار آمدن دولت خاتمی در سال ۱۹۹۷ را شامل می‌شود. در این مرحله نیز با وجود برخی تحولات در روابط دوطرف، نظیر تصمیم اتحادیه اروپا برای گفتگوی انتقادی با ایران یا پیروی نکردن از آمریکا در تحریم اقتصادی ایران، کم‌تحرکی در روابط دوطرف همچنان تداوم داشت.

در مرحله سوم که از زمان روی کار آمدن دولت خاتمی در سال ۱۹۹۷ آغاز شد، رویکرد مثبت اتحادیه اروپا به تحولات داخلی ایران و تمایل اعضای این اتحادیه برای حمایت از دولت جدیدی که سیاست تنش‌زدایی را اصل اول سیاست خارجی خود اعلام کرده، سبب بهبود بی‌سابقه روابط طرفین گشت. تبدیل گفتگوی انتقادی اتحادیه اروپا و ایران به گفتگوی فراگیر در سال ۱۹۹۸ خود مویید این تحول اساسی در مناسبات طرفین است. شاخص دیگر در تأیید این تحول به رفت و آمدهای مقامات مهم دوطرف مربوط می‌شود. این رفت و آمدها

حاکمی از اراده ایران و کشورهای عضو اتحادیه اروپا برای پیشبرد روابط خویش است (بهزاد، ۱۳۸۳: ۲۳۳). بطور کلی دلایل سردی مناسبات ایران و اتحادیه اروپا در دهه ۱۹۸۰ را می‌توان در چارچوب سه سطح تحلیل کلان، منطقه‌ای و خرد بررسی کرد.

در سطح تحلیل کلان با عنایت به ساختار حاکم بر نظام بین‌الملل در دوره زمانی پیش و پس از فروپاشی شوروی سابق می‌توان به تحلیل تحولات رفتاری اتحادیه اروپا در قبال ایران پرداخت. پیش از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، نظام دوقطبی حاکم بر روابط بین‌الملل، مجموعه کشورهای غربی و سرمایه‌داری را در بلوکی قرار داده بود که رهبری آن را آمریکا برعهده داشت. جهت‌گیری این کشورها در عرصه سیاست خارجی عمدتاً هماهنگ و سازگار با مواضع ایالات متحده بود. تحت چنین شرایطی، اتحادیه اروپا بعنوان یک عضو مهم بلوک غرب، در برخورد با ایران در دهه ۱۹۸۰ سیاستی هماهنگ با آمریکا را در پیش گرفت و روابط خود را با ایران محدود کرد (همان، ۲۳۴). پس از فروپاشی شوروی، اتحادیه اروپا در یک نظام نوین چندقطبی از آزادی عمل بیشتری در سیاست خارجی خود برخوردار شد، بنحویکه در بسیاری مواقع با وجود مخالفت و هشدارهای آمریکا، سیاست نزدیکی به ایران را در پیش گرفت.

در سطح تحلیل منطقه‌ای، وقوع حوادثی نظیر حمله عراق به کویت، اتحادیه اروپا را مجبور به تجدیدنظر در برداشت‌های اولیه خود درخصوص ایران کرد. این حادثه نشان داد که قضاوت کشورهای غربی درخصوص ۱۲۱ جنگ‌طلب بودن ایران و اینکه این کشور تهدید اصلی برای منطقه به شمار می‌رود، نادرست است. پس از مدتی با قدرت‌یابی رژیم طالبان در افغانستان نقش و اهمیت ایران بیشتر مورد توجه اتحادیه اروپا قرار گرفت. سرانجام در سطح خرد، روی کار آمدن دولت اصلاح‌طلب خاتمی در ایران که سیاست قانون‌گرایی در داخل و تنش‌دایی در خارج را دنبال می‌کرد، انگیزه مضاعفی برای نزدیکی اتحادیه اروپا به ایران فراهم نمود. این امر در کنار علاقه طرف ایرانی برای بهبود روابط خود با اروپا منجر به ارتقای سطح مناسبات دوطرف از لحاظ کمی و کیفی شد (همان، ۲۳۵). باتوجه به مشی سیاسی دولت سید محمد خاتمی که براساس واقع‌گرایی، صلح‌طلبی و بدور از تندروی بود، موجب شد در آن مقطع زمانی نگاه جهان بین‌الملل به سیاست‌ورزی دولت جمهوری اسلامی ایران تغییر کند؛ بگونه‌ای که فصل جدیدی از روابط بین‌الملل سیاسی-اقتصادی دنیای غرب با ایران آغاز شد.

### اتحادیه اروپا و فعالیت هسته‌ای ایران

بطور کلی مسأله تکثیر سلاح‌های کشتار جمعی و از جمله سلاح‌های هسته‌ای در جهان یکی از نگرانی‌ها و مسائل مورد توجه اتحادیه اروپا در حوزه سیاست خارجی بوده است. از نظر اتحادیه اروپا گسترش این جنگ‌افزارها، ضریب امنیت و ثبات جهانی را به شدت کاهش داده و به ناامن شدن محیط بین‌الملل منجر

خواهد شد. به همین دلیل در طول سالیان گذشته اتحادیه اروپا با تلاش برای گسترش این سلاح‌ها از سوی کشورهای مختلف مخالف بوده است. در مورد ایران نیز موضوع سلاح‌های کشتار جمعی و هسته‌ای همواره یکی از موضوعات مورد بحث در مذاکرات اتحادیه اروپا با ایران بوده است. اتحادیه اروپا همواره خواهان شفافیت و قانون‌مندی برنامه‌های هسته‌ای ایران بوده و تأکید کرده است که این برنامه می‌بایست در تطابق کامل با الزامات نهادها و رژیم‌های بین‌المللی موجود باشد (همان، ۳۳۸).

براساس گفته‌های خاویر سولانا رئیس سیاست خارجی اتحادیه اروپا، اروپایی‌ها به دنبال بازداشتن ایران از ادامه روندی که از دید آنها سبب دستیابی این کشور به تسلیحات هسته‌ای می‌شود از سیاستی دوسویه بهره می‌برند. یعنی از یک‌طرف بر ادامه روند دیپلماسی و مذاکره تأکید کرده و از سوی دیگر با تنظیم پیش‌نویس قطعنامه علیه برنامه هسته‌ای ایران و تلاش برای همگام کردن همه اعضای شورای امنیت با اعمال فشار بر ایران از طریق تصویب قطعنامه‌های اقتصادی الزام‌آور در صدد تنبیه ایران برای ترک غنی‌سازی اورانیوم برمی‌آیند (گلشن‌پژوه (الف)، ۱۳۸۴: ۵۳). اروپا و آمریکا در مورد لزوم ترک غنی‌سازی اورانیوم توسط ایران دارای اختلاف‌نظری نبوده و نمی‌باشند؛ اما روش‌های متفاوتی را برای حل مسأله در پیش گرفتند. اروپا با ورود به روند حل و فصل بحران هسته‌ای ایران بر پیگیری دیپلماسی و روند مذاکره تأکید ورزیده و این راهی متفاوت با آنچه آمریکای پس از اشغال عراق می‌پنداشت بود. تلاش‌های غرب برای بازداشتن ایران از ادامه روند غنی‌سازی اورانیوم را می‌توان در جهت کنترل گسترش تسلیحات هسته‌ای در نظام بین‌الملل به ویژه منطقه خاورمیانه دانست. زیرا گسترش تسلیحات در منطقه‌ای همچون خاورمیانه می‌تواند عامل به وجود آورنده مسابقه تسلیحاتی و چه بسا سرآغاز جنگی دیگر باشد. آمریکایی‌ها معتقدند جنگ جهانی سوم از خاورمیانه آغاز خواهد شد.

۱۲۲

اروپا در راستای سیاست دوسویه خود پرونده هسته‌ای ایران را جهت تنبیه این کشور به علت عدم توجه ایران به خواسته‌های شورای حکام و عدم توقف غنی‌سازی اورانیوم، به شورای امنیت سازمان ملل جایی که ایران با شرایطی دشوارتر روبرو می‌شد ارجاع نمود. اروپا سیاستی دوسویه را در مورد برنامه هسته‌ای ایران می‌نماید و تهدید به ارجاع برنامه هسته‌ای ایران به شورای امنیت سازمان ملل متحد نیز بخشی از این تهدیدات بود که سرانجام عملی گشته و پرونده هسته‌ای ایران با تنظیم پیش‌نویس بیانیه‌ای درباره مسأله هسته‌ای ایران، توسط دو کشور اروپایی فرانسه و انگلستان صورت پذیرفته و پرونده از دستورکار شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی خارج و به شورای امنیت محول گردید. پس از آنکه شورای حکام به قطعنامه پیشنهادی اتحادیه اروپا که خواهان ارجاع پرونده فعالیت‌های هسته‌ای ایران به شورای امنیت بود رأی مثبت داد، خاویر سولانا، هماهنگ کننده اتحادیه اروپا قطعنامه را نشانه اجماع کشورهای عضو شورای حکام آژانس دانست و

در عین حال تأکید کرد که هنوز درهای گفتگو باز است. به علاوه اتحادیه اروپا خشنودی خود را از قبول قطعنامه پیشنهادی این اتحادیه قبول کرد (همان، ۵۴).

از دیدگاه کشورهای اروپایی، اگر هریک از کشورهای خاورمیانه به قدرت نامتقارن دست یابد، در این صورت قادر خواهد بود تا موازنه بین‌المللی را دگرگون کند. براساس این نگرش، هرگونه تلاش ایران برای دستیابی به قدرت هسته‌ای می‌تواند نتایجی را برای تغییر در موازنه قدرت منطقه‌ای به وجود آورد و این امر به مفهوم آن است که ایران دارای جایگاه و همچنین ابزارهای بالقوه لازم برای تغییر در معادله سیاست بین‌الملل خواهد شد (متقی، ۱۳۸۴: ۶). اروپایی‌ها برنامه هسته‌ای ایران را تلاشی برای دستیابی به سلاح اتمی می‌دانند، زیرا معتقدند که ایران در میان همسایگان عرب خود دارای محبوبیت چندانی نیست و جزء در مورد سیاست‌های اسرائیل در فلسطین نقطه مشترکی که باعث اتحاد میان این کشور و همسایگان عرب‌اش شود، وجود ندارد. اروپایی‌ها بر این باورند که ایران برای کاهش آسیب‌پذیری خود در منطقه خاورمیانه با توجه به پشت سر گذاشتن تجربیات تلخی نظیر جنگ هشت ساله با عراق و همچنین تجاوز نظامی آمریکا به کشورهای همسایه-اش از جمله افغانستان و عراق نیاز به توانمندی هسته‌ای را نیاز اصلی خود تلقی می‌کند. این مسأله‌ای است که علیرغم اصرار ایران بر صلح‌آمیز بودن تلاش‌های هسته‌ای به حادثه‌ترین و مهمترین موضوع دستورکار اتحادیه اروپا و غرب تبدیل شده است (فلاحی، ۱۳۸۵: ۱۹۱).

۱۲۳

یکی از مسائلی که سبب عدم اعتماد اروپا نسبت به برنامه هسته‌ای ایران می‌شود، قرار گرفتن این کشور در منطقه‌ای بحران‌زا به نام خاورمیانه در میان همسایگانی نظیر هند و پاکستان (که دارای تسلیحات اتمی هستند) و از همه مهمتر نزدیکی به کشوری نظیر اسرائیل است. اسرائیل با توجه به اظهارات تند مقامات ایرانی درباره موجودیت این کشور همیشه در معرض تحریک و برانگیخته شدن در جهت استفاده از سلاح‌های هسته‌ای خود علیه ایران است زیرا اسرائیلی‌ها نیز از وجود ایران در نزدیکی خود احساس خطر می‌نمایند. در چنین شرایطی از دید اروپائیان تلاش ایران برای دستیابی به تسلیحات اتمی موضوعی دور از ذهن به نظر نمی‌رسد لذا سران کشورهای اروپایی درصدد حمایت از اسرائیل برآمده و ایران را به «تحریک نسل‌کشی» متهم می‌نمایند. دوم اینکه به دلیل تشابه تجربه تاریخی دارندگان دارای سلاح هسته‌ای به وضعیت کنونی ایران، برای این کشورها درک این موضوع که ایران فقط به دنبال استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای باشد کاری بس دشوار است. سوم اینکه حمایت جمهوری اسلامی ایران از گروه‌هایی نظیر حزب‌الله و حماس طی سه دهه از وقوع انقلاب در ایران، این کشور را همیشه در معرض انواع اتهامات قرار داده است. در مورد موضوع هسته‌ای ایران نیز حمایت این کشور از حزب‌الله و حماس سبب عدم باور تلاش‌های صلح‌جویانه ایران برای دستیابی به توانمندی هسته‌ای می‌شود. زیرا غربی‌ها معتقدند که حمایت ایران از نزدیکان خود برای صدمه

زدن به اسرائیل است و ایران به دنبال تسلیحات اتمی است تا با کمک نزدیکانش به موجودیت اسرائیل خدشه وارد آورد. چهارم اینکه اروپایی‌ها خاورمیانه را همسایه خود تلقی کرده و داشتن سلاح‌های اتمی در این منطقه را بسیار خطرناک می‌دانند چرا که خود را در تیررس چنین سلاح‌هایی احساس می‌کنند. آنها اساساً منطقه خاورمیانه را بسیار بحران‌زا می‌بینند و همانند آمریکایی‌ها معتقدند حتی ممکن است جنگ جهانی سوم از این منطقه آغاز شود. اروپایی‌ها دو جنگ جهانی را پشت سر گذاشته‌اند و به هیچ وجه مایل به تجربه سومی نیستند (امینی و آرمین، ۱۳۸۶: ۱۵).

ایران را می‌توان نزدیکترین تهدید هسته‌ای در شرق اروپا به حساب آورد که این کشور را از یک همکار نزدیک به یک تهدید نزدیک برای اروپایی‌ها تبدیل می‌کند. همانطور که روسیه اعلام کرد ایران غیرهسته‌ای همسایه استراتژیک ما است و ایران اتمی دشمن استراتژیک ما، اروپا نیز معتقد است ایران هسته‌ای خطری مستقیم به امنیت ارضی و حیات طبیعی مردم اروپا است. بدون توجه به اطلاعات غیررسمی، برد موشک‌های ایران بیش از ۲ هزار کیلومتر است که یک روند صعودی سریع را در دهه گذشته طی کرده است و قادر به حمل کلاهک نیز می‌باشد (حاج‌جعفری، ۱۳۸۳: ۵۶). براساس داده‌های ماهواره‌های جاسوسی پنتاگون بزرگترین خطر از سوی ایران موشک‌های شهاب ۳ این کشور است که می‌تواند تا اسرائیل و مرزهای اروپا برسد. پنجم که شامل نگرانی‌های زیست‌محیطی اروپایی‌ها می‌شود. نگهداری و مدیریت تأسیسات اتمی به فناوری سطح بالا نیاز دارد که ایران فاقد آن است، هرگونه سهل‌انگاری در بهره‌برداری از نیروگاه هسته‌ای، موجب نشت احتمالی رادیواکتیو در خلیج فارس خواهد شد و کلیه منابع نفتی را آلوده می‌کند. این بدان معناست که مصرف‌کنندگان اروپایی که ۵۰ درصد از نفت خود را از خلیج فارس تأمین می‌کنند باید بنزین آلوده به رادیواکتیو را در اتومبیل خود بسوزانند که این مسأله برای آنها غیرقابل قبول است. لذا هم محیط‌زیست بین‌المللی و هم مصرف‌کنندگان اروپایی نسبت به مدیریت و امکانات تکنولوژیک در حفظ استاندارد نیروگاه‌های پیشرفته اتمی تردید دارند و هراسناک‌اند که سلامت آنها به خطر افتد. جنبش‌های حمایت از محیط‌زیست بیش از پنجاه سال است که در اروپا فعال می‌باشند و طی جنگ سرد روس‌ها این جنبش‌ها را نخست از لحاظ مالی و سیاسی حمایت می‌کردند تا مانع از استقرار سلاح‌های اتمی آمریکا در اروپا شوند (همان، ۵۶). در آخر نگرانی اروپا از مسابقه تسلیحاتی در خاورمیانه می‌باشد. تلاش ایران برای دسترسی به انرژی هسته‌ای سبب گرایش کشورهای منطقه به سمت هسته‌ای شدن و تمایل به داشتن انرژی هسته‌ای در میان دولت‌های منطقه خاورمیانه به چشم می‌خورد. همچنین این مسأله با افزایش گرایش جهانی به توانمندی هسته‌ای رابطه دارد. تسلیحات هسته‌ای، ایران را به کشور قدرتمندتری تبدیل می‌کند و به آن فرصت می‌دهد تا منافع خاص خود را با قدرت و توان بیشتری دنبال کند. دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای به رقابت در این



زمینه و ترغیب کشورهای منطقه برای دستیابی به چنین تسلیحاتی دامن می‌زند و رژیم منع گسترش و سازمان‌های مرتبط با آن را بی‌معنا می‌سازد (احمدی لفورکی، ۱۳۸۷: ۱۶۳).

### راه‌حل دیپلماتیک اتحادیه اروپا برای حل بحران هسته‌ای ایران

همانطور که اشاره شد در آغاز بروز بحران هسته‌ای ایران، اتحادیه اروپا راه‌حل دیپلماتیک را بر دیگر راه‌های حل بحران هسته‌ای ترجیح داده بود هرچند در ادامه ماجرا همگام با آمریکا موضوع هسته‌ای ایران را به شورای امنیت فرستاد، اما این عملکرد اروپایی‌ها در راستای سیاست‌های دوسویه آن اتحادیه برای برخورد با ایران قابل توجیه است. در این قسمت به دلایلی که می‌تواند تا حدودی توضیح دهنده عملکرد اروپایی‌ها باشد می‌پردازیم:

۱) دستور کار سال ۲۰۰۰ اتحادیه اروپا جهت تبدیل شدن این اتحادیه به یک بازیگر سیاسی جهانی، معیارها و پیش‌شرط‌هایی را در اولویت دستور کار خود قرار داد که از میان آن پیش‌شرط‌ها، توانایی مذاکره بعنوان یک مشخصه ابزار سیاست خارجی اتحادیه اروپا چه در آرایش چندجانبه‌گرایی یا در قالب موافقت‌نامه‌های دوجانبه همکاری با طرف مقابل، نقش محوری یافت (فلاحی، پیشین: ۱۹۱).

۲) موضوع مهم دیگری که می‌تواند دلیل خوبی در راستای تلاش اروپا برای حل صلح‌آمیز مسأله هسته‌ای ۱۲۵ ایران باشد نزدیکی جغرافیایی ایران و اتحادیه اروپا است که این اتحادیه را در تیررس تحولات ایران و منطقه بحران‌زای خاورمیانه قرار می‌دهد. ایران توانمند از نظر موشکی، اگر به کلاهک‌های هسته‌ای دست یابد، می‌تواند از خاک خود کشورهای اروپایی را هدف قرار دهد و این عدم امنیت بالقوه، خواسته هیچ کشور و یا اتحادیه‌ای نمی‌باشد. بنابراین این مسأله خود دلیلی مهم است که به ویژه در آغاز شکل‌گیری بحران سبب شد اروپایی‌ها از پیگیری روش‌های تحریک‌کننده و تشدیدکننده بحران دوری گزینند و به نوعی آمریکا را از به راه انداختن جنگی دیگر در خاورمیانه باز دارند (دهقانی فیروزآبادی (الف)، ۱۳۸۴: ۶۷).

۳) اروپا از طریق مذاکره درصدد حل و فصل مسأله بحران هسته‌ای ایران برآمد زیرا اگر این اتحادیه موفق به حل بحران هسته‌ای ایران شود این موفقیت در نهایت آشکارکننده توانمندی اتحادیه اروپا در حل و فصل یک بحران بین‌المللی است که این خود به نوعی ایجادکننده پرستیژ بین‌المللی برای اتحادیه اروپا است.

۴) موضوع دیگری که می‌تواند دلیل خوبی برای اجتناب از برخورد سخت‌افزاری اروپا و ارائه یک راهکار متفاوت از آمریکا در قضیه هسته‌ای ایران باشد افکار عمومی اروپا و آمریکا است. افکار عمومی اروپا و آمریکا دارای ارزیابی متفاوتی از میزان تهدیدات بین‌المللی هستند. براساس نتایج یک نظرسنجی که دو موسسه شورای روابط خارجی شیکاگو و موسسه آلمانی مارشال در ایالات متحده در خصوص افکار عمومی اروپا و

آمریکا انجام داده‌اند، این نتیجه به دست آمد که اروپایی‌ها عموماً مانند آمریکایی‌ها به ارزیابی تهدیدات می‌پردازند. نتایج این نظرسنجی حاکی از آن است که اروپایی‌ها خطر کمتری از سوی مسائل امنیتی جدید احساس می‌کنند و به همین خاطر در همان حد که احساس خطر می‌کنند در این خصوص عمل می‌کنند (امینی، ۱۳۸۳: ۱۵۲).

### زمینه‌های تأثیرگذار بر روند هسته‌ای ایران و اتحادیه اروپا

متغیرهای متعددی وجود دارد که بر روند برنامه هسته‌ای ایران و اتحادیه اروپا تأثیر می‌گذارد. این متغیرها عبارتند از:

#### ۱- الحاق ترکیه به اتحادیه اروپا و تأثیر آن در مسأله هسته‌ای ایران

مسأله الحاق ترکیه به اتحادیه اروپا مدت‌هاست که مطرح شده و در حال پیگیری است، و عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا که سبب خواهد شد ایران به همسایگی این اتحادیه درآید در حال بررسی است. البته روند پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا با مشکلاتی روبرو است که الحاق این کشور به اتحادیه اروپا را میسر ن ساخته است. این بررسی با تأکید بر این مسأله صورت می‌گیرد که تأمین امنیت یکی از مهمترین موضوعات مدنظر حکومت‌ها است و اتحادیه اروپا که از تجمع ۲۷ کشور به وجود آمده است به دنبال حفظ و ارتقا امنیت اعضای خود است.

۱۲۶

الف) اتحادیه اروپا، اتحادیه‌ای امنیت‌محور است و امنیت از دید اروپایی‌ها تنها در امور نظامی خلاصه نمی‌شود. استراتژی امنیت اروپا که در دسامبر ۲۰۰۳ تصویب گردید، خطرات نشأت گرفته از ژئوپلیتیک اروپا و اصول عملیاتی آن را تعریف کرده و رویکردی مشترک در زمینه استفاده از قدرت نظامی را معین می‌نماید. تهدیدات کلیدی فراروی اروپا طبق این استراتژی عبارتند از تروریسم، گسترش سلاح‌های کشتار جمعی، مناقشات منطقه‌ای (در رأس آن خاورمیانه)، حکومت‌های ورشکسته و جنایات سازمان‌یافته. بدون شک بسیاری از این خطرات و چالش‌ها از همسایه جنوبی اروپا یعنی خاورمیانه نشأت می‌گیرند یا اینکه از خصایص آن به شمار می‌روند (پرتس، ۱۳۸۳: ۲۰).

ب) معیارهای پذیرش اعضای جدید در اتحادیه اروپا معرف خواسته‌های اتحادیه اروپا از اعضاء و همسایگان جدید این اتحادیه است. اتحادیه اروپا برای پذیرش اعضای جدید به دنبال همسایگانی است که به خوبی حکومت شوند و از نظر سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و تکنولوژیکی به حدی از توسعه رسیده باشند که سبب ایجاد ناامنی برای خود، منطقه و نظام بین‌الملل نگردند.

ج) در صورت الحاق ترکیه به اتحادیه اروپا، این اتحادیه به همسایگی جمهوری اسلامی ایران درخواهد آمد. همسایگی ایران و اروپا تأثیرگذاری و تأثیرپذیری متقابل میان این دو را افزایش خواهد داد. در صورتی که ایران به دلیل الحاق ترکیه به اتحادیه اروپا با این اتحادیه هم‌مرز گردد، آنگاه اتحادیه اروپا در قبال رفتار ایران و سیاست‌هایش نوعی منافع مستقیم احساس خواهد کرد، بنابراین اروپا چاره‌ای ندارد جز اینکه در این میان، نقش فعال را برعهده گیرد. اروپایی‌ها درصدد همیاری و همکاری با ایران برخوانند آمد تا در نهایت حاشیه امنی را برای خود ایجاد کرده و خطرات احتمالی تهدیدکننده امنیت خود را به حداقل ممکن برساند.

## ۲- تلاش اروپا برای کنترل هسته‌ای

یکی از اهداف سیاسی و امنیتی اتحادیه اروپا کنترل تسلیحات است. تلاش ایران برای دستیابی به فناوری هسته‌ای نیز از دیرباز مورد توجه غرب بوده است. به صورتی که اروپایی‌ها در گفتگوهای خود با ایران پس از انقلاب این موضوع را در دستورکار همیشگی خود گنجانده‌اند. ولی نگرانی‌های اروپا از تلاش ایران برای دستیابی به سلاح هسته‌ای تا قبل از سال ۲۰۰۳ تا حدی که اکنون مورد توجه اروپایی‌ها قرار گرفته، مورد توجه نبوده است. در پاسخ به اینکه چرا این موضوع در سال‌های آغازین سده جدید تا این اندازه با اهمیت شد باید به این مسأله اشاره کرد که بعد از حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ نگرانی‌های فزاینده مبنی بر اینکه سازمان‌های تروریستی بتوانند به تسلیحات کشتارجمعی دست یابند با این احساس که رژیم‌های موجود دارای نقص امکانات برای جلوگیری از تهدیدات گسترش تسلیحات هستند ترکیب گردید و سبب احساس نیاز به پاسخگویی شدیدتر به مسأله شد. در کنار این مسأله حمله آمریکا به عراق باعث ایجاد شکاف میان دو سوی آتلانتیک از طرف دیگر شد. در این زمان اروپایی‌ها در پیش گرفتن یک رهیافت مشترک در زمینه برخورد با تهدید، احساس نیاز کردند. با توجه به این مسأله موضوع هسته‌ای ایران می‌تواند مورد مناسبی برای آزمایش استراتژی امنیتی اروپا در زمینه مقابله با گسترش سلاح‌های هسته‌ای سال ۲۰۰۳ باشد (حجازی، ۱۳۸۴: ۱۴۱).

مسأله قابل توجه این است که نگرانی اروپایی‌ها از موضوع هسته‌ای ایران یک نگرانی جدی است و آنها بر واقعی بودن نگرانی‌شان از دستیابی ایران به تسلیحات اتمی تأکید می‌ورزند و خواستار توجه ایران به این موضوع و تلاش این کشور برای جلب اعتماد بین‌المللی هستند. اروپایی‌ها به لزوم دستیابی ایران به انرژی هسته‌ای برای مصارف صلح‌آمیز آگاهند و بطور یقین می‌دانند جلوگیری از این روند ممکن نیست. آنها تمایل دارند از ایران برای توسعه برنامه تحقیق و توسعه برق هسته‌ای غیرنظامی که از نظر اقتصادی، علمی و هماهنگ با معیارهای منع گسترش است و با نیازهای انرژی ایران تطابق دارد، حمایت کنند و بطورکامل از همکاری بلندمدت در حوزه هسته‌ای غیرنظامی بین ایران و روسیه حمایت کامل به عمل آورند.

ولی در عین حال خواهان کسب این اطمینان هستند که ایران در جهت گسترش تسلیحات قدم بر نمی‌دارد. اروپا توقف غنی‌سازی در ایران را راهی برای فهمیدن اهداف صلح‌آمیز این کشور می‌داند؛ مسأله‌ای که ایران آن را خط قرمز به حساب آورده و حاضر به انجام آن نیست. این دقیقاً نکته مهم افزایش دهنده اختلافات دوطرف ایرانی و اروپایی است. غرب خواستار توقف غنی‌سازی اورانیوم در ایران است زیرا نگران استفاده ایران از پروسه غنی‌سازی در جهت تهیه بمب اتم است، ولی ایران بر حق مسلم خود در غنی‌سازی برای تأمین سوخت نیروگاه‌های اتمی‌اش در آینده، پافشاری می‌نماید. باتوجه به جایگاه استراتژیک ایران در منطقه خلیج فارس و همچنین برخورداری این کشور از ذخایر فراوان نفت و گاز جهان، ایران می‌تواند دارای نقش تعیین کننده‌ای در رقابت آمریکا و اتحادیه اروپا در منطقه خلیج فارس باشد. موضوع مهمی که درباره اتحادیه اروپا وجود دارد این است که اتحادیه به دنبال متنوع‌سازی منابع انرژی خود جهت تأمین امنیت انرژی در بلندمدت است و این موضوع ناشی از عدم اعتماد اتحادیه اروپا به روسیه در تأمین انرژی‌اش است. باید در همینجا به این موضوع نیز اشاره کرد که اهمیت انرژی ایران برای اروپا بدان حد بود که تصمیم‌گیری بر سر تحریم آن از سوی اروپا را با دشواری روبرو ساخت. با وجود این مسأله ایران می‌تواند از فرصت استفاده کرده و با بهره‌گیری از مزیت‌های موجود کشور در زمینه انرژی و امنیت آن به همکاری با اروپا پرداخته و حتی از این طریق از اتحادیه در جهت حل و فصل بحران هسته‌ای کشور نهایت استفاده را برد.

## اصول سیاست خارجی ایران در سال‌های (۹۲-۸۸)

### ۱- انرژی هسته‌ای

در اوایل سال ۲۰۰۳ ایران وجود تأسیسات غنی‌سازی در نطنز و آب‌سنگین در اراک را تأیید کرد. در فوریه ۲۰۰۳ محمد البرادعی پس از بازدید از تأسیسات نطنز و تأیید استفاده صلح‌آمیز ایران از انرژی هسته‌ای، در اولین گزارش کتبی خود به شورای حکام، تأیید کرد که ایران به تعهدات خود بر مبنای پیمان منع گسترش فناوری هسته‌ای پایبند نبوده است. در ۲۷ اوت ۲۰۰۳ ایران در نامه‌ای رسمی آمادگی خود را برای مذاکره با آژانس در مورد پروتکل الحاقی اعلام کرد. با این حال، در دوازدهم سپتامبر ۲۰۰۳ اولین قطعنامه پیشنهادی کشورهای اروپایی در شورای حکام علیه ایران تصویب شد که در آن از ایران خواسته شده بود ضمن پذیرش پروتکل الحاقی، تمامی فعالیت‌های هسته‌ای خود را به حالت تعلیق درآورد. ایران در ۱۰ نوامبر ۲۰۰۳ طی نامه‌ای رسمی پذیرش پروتکل الحاقی را به اطلاع آژانس رساند و شورای حکام در ۲۱ نوامبر پذیرش پروتکل الحاقی از سوی ایران را تصویب کرد. با این حال در ۲۶ نوامبر دومین قطعنامه پیشنهادی کشورهای اروپایی در شورای حکام علیه فعالیت‌های هسته‌ای ایران به تصویب رسید. ایران در ۱۸ دسامبر ۲۰۰۳ پروتکل الحاقی

را امضا کرد و به صورت داوطلبانه اجراء کرد. با این حال در ۱۵ مارس ۲۰۰۴ سومین قطعنامه پیشنهادی کشورهای اروپایی در شورای حکام علیه فعالیت‌های هسته‌ای ایران به تصویب رسید.

با روی کار آمدن دولت نهم در ۲۰۰۵ و با گذشت زمان، بر ایران مسجل شد که اروپا و آمریکا درصدد دائمی کردن تعلیق و توقف کامل برنامه هسته‌ای ایران هستند. ایران مدعی شد که اروپا به تعهدات خود عمل نکرده و طی نامه‌ای به مدیرکل آژانس در اول اوت ۲۰۰۵، قصد خود مبنی بر از سرگیری فعالیت‌های یو،سی،اف، اصفهان را اعلام کرد. چند روز پس از آغاز مجدد فعالیت مجتمع یو،سی،اف، اصفهان، طرح جامع اروپا به ایران تسلیم شد. از دید ایران این طرح همچنان بر توقف فعالیت‌های چرخه سوخت تأکید داشت، و آن را رد کرد. آژانس انرژی هسته‌ای به سبب از سرگیری فعالیت یو،سی،اف، اصفهان، هفتمین قطعنامه پیشنهادی کشورهای اروپایی در اجلاس اضطراری شورای حکام علیه فعالیت‌های هسته‌ای ایران در یازدهم اوت ۲۰۰۵ را به تصویب رساند و خواستار تعلیق مجدد غنی‌سازی از سوی ایران شد. شورای حکام به سبب اینکه ایران درخواست اتحادیه اروپا برای تعلیق غنی‌سازی تا اجلاس این شورا را نپذیرفته بود، در ۲۴ سپتامبر با صدور هشتمین قطعنامه، از ایران خواست تا مذاکره با کشورهای اروپایی را از سرگیرد، پروتکل الحاقی در مجلس ایران تصویب شود و غنی‌سازی اورانیوم متوقف گردد. به نظر می‌رسد که این قطعنامه زمینه‌ساز ارجاع پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت شد. در سیاست جدید هسته‌ای ایران اعلام کرد، که ضمن پذیرش ادامه همکاری با آژانس به هیچ‌وجه در مورد تعلیق و توقف غنی‌سازی مذاکره نخواهد کرد. احمدی‌نژاد بر این باور بود که غرب نمی‌خواهد ایران حتی در چارچوب معاهده ان. پی. تی. فعالیت‌های هسته‌ای صلح‌آمیز خود را ادامه دهد، و در صورتی که در مقابل فشارها و تهدیدات غرب و نظام سلطه ایستادگی و مقاومت شود، در نهایت غرب عقب‌نشینی خواهد کرد (مولانا و محمدی، ۱۳۸۷: ۱۴۲).

## ۲- سیاست خارجی منطقه‌ای ایران

سیاست خارجی ایران در قبال کشورهای همسایه و کشورهای اسلامی، در دوره احمدی‌نژاد مبتنی بر تعامل فعال است. اولویت اساسی در این سیاست خارجی، کشورهای اسلامی‌اند، زیرا باور احمدی‌نژاد این است که دولت جمهوری اسلامی ایران «ماهیت، کارکرد و مسئولیت اسلامی دارد» (دهقانی فیروزآبادی (ب)، ۱۳۸۶: ۶۹). ایران سفرهای متعددی به کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس داشته است. وی همچنین از کشورهای همسایه ایران در آسیای مرکزی و قفقاز دیدار کرد، و رسماً به کشور مصر اعلام کرد که ایران حاضر به تجدید روابط با این کشور است. به نظر می‌رسد ایران در این دوره قصد دارد اولاً به گسترش روابط با کشورهای منطقه بپردازد، ثانیاً از ظهور هرگونه نگرانی از فعالیت‌های هسته‌ای ایران در منطقه جلوگیری به عمل آورد، ثالثاً در مقابل ادعاهای مبنی بر هژمون‌گرایی ایران در منطقه به ویژه ادعاهای ناظر به تلاش ایران برای

شکل‌دهی به یک هلال شیعی، موضع‌گیری کند و در نهایت، از طریق تعامل با کشورهای منطقه به نوعی موازنه نامتقارن در برابر آمریکا برسد. البته باید توجه داشت که ایران با آمریکا در چارچوب حل مشکلات عراق به مذاکره پرداخت، و باتوجه به باور مسلط داخلی مبتنی بر عدم مذاکره با آمریکا، این اقدام در نوع خود متهورانه بود. در اصل، مذاکره با آمریکا در عراق نوعی شکستن خط قرمزها، نشان دادن تعامل‌جویی ایران و فرصتی برای همکاری‌های دوجانبه بود (برزگر، ۱۳۸۸: ۲۳).

از دید ایران، آمریکا خواهان آن است تا با استفاده از ایده هلال شیعی و ایجاد ایران‌هراسی و شیعه‌هراسی، کشورهای منطقه را در اتحادی علیه ایران گردهم آورد. مقامات ایرانی نیز اذعان کرده‌اند که انقلاب اسلامی ایران قبل از آنکه رنگ شیعی داشته باشد، براساس اتحاد جهان اسلام بوده است (حاجی یوسفی، ۱۳۸۷: ۵۶). مسأله دیگر، طرح جعلی بودن هولوکاست و حذف اسرائیل از نقشه جهان از سوی ایران در سال ۱۳۸۵ بود. طراحان این سیاست معتقد بودند که استراتژی تغییر صحنه کشمکش می‌تواند اولاً فشار به ایران بر سر مسأله هسته‌ای را کاهش دهد، ثانیاً به ایران امکان دهد که خود صحنه کشمکش را انتخاب کند و لذا به سراغ صحنه‌ای برود که ظاهراً رقیب در آن آسیب‌پذیر است؛ و ثالثاً ایران نشان دهد که قصد ندارد کوتاه بیاید و اگر تحت فشار قرار گیرد، مسائل زیادی برای مطرح کردن دارد (امین‌زاده، ۱۳۸۶: ۴۳). در این میان، مخالفان ایران مدعی بودند که ایران برای دستیابی به سلاح هسته‌ای تلاش می‌کند، و تأکید می‌کردند که ایران درصدد ساخت سلاح هسته‌ای برای شلیک آن به سوی اسرائیل است. این مسأله باعث شد که فضای امنیتی مورد نیاز آمریکا برای ایجاد اجماع علیه ایران شکل بگیرد. به همین دلیل، دولتمردان ایرانی، بارها سعی کردند نظر خود درباره هولوکاست را به نوعی تلطیف کرده، و به جای انکار، مسأله تحقیق و پرداختن علمی به این مسأله را مطرح کردند. در مجموع، سیاست خارجی ایران شامل، حمایت از حزب‌الله لبنان، تداوم اتحاد استراتژیک ایران و سوریه و حمایت ایران از این کشور، حمایت از گروه‌های مخالف آمریکا در افغانستان و عراق، بهبود روابط با همسایگان به ویژه کشورهای عربی و سیاست تهاجمی نسبت به اسرائیل، همه برای ایجاد موازنه قدرت در مقابل آمریکا در منطقه است.

۱۳۰

### ۳- سیاست نگاه به شرق

روی کار آمدن دولت جدید در سال ۸۸ موجب تغییر رویکرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران شد و بنابراین، سیاست نگاه به شرق اعلام شد. از یکسو، تجربه تعامل ایران در سال‌های ۷۶ تا ۸۴ با غرب مثبت نبود، و ایران به ویژه در عرصه مذاکرات هسته‌ای، به جزء عقب‌نشینی کار دیگری نکرده، و امتیاز دیگری کسب ننموده بود. از سوی دیگر، به نظر می‌رسد ایران می‌خواست با دوره‌های قبلی که آن را از لحاظ سیاسی آنتی تز خود می‌دانست، متفاوت باشد. از اینرو ایران به این نتیجه رسیدند که باید سیاستی مقتدرانه‌تر در

مناسبات خارجی اتخاذ شود، و کوتاه آمدن در مقابل غرب به ضرر منافع ملی ایران است (حاجی یوسفی، پیشین: ۵۶). بی‌تردید، هدف اصلی ایران از عضویت در سازمان همکاری شانگهای، بهره‌برداری از پتانسیل آن برای مقابله با هژمون‌گرایی آمریکا، و در نتیجه تأمین امنیت و منافع ملی ایران بوده است.

#### ۴- سیاست جهان سوم‌گرایی

جمهوری اسلامی ایران مصمم شد تا دیپلماسی صریح‌تر را برای دفاع از مواضع و برنامه‌های خود در پیش گیرد. در این خصوص، به منظور جلب حمایت کشورهای جهان سوم از مواضع ایران و در جهت تحکیم تلاش‌های صورت گرفته برای شکستن انحصار بهره‌برداری چرخه سوخت و غنی‌سازی اورانیوم توسط کشورهای محدود غربی، ارتباطات وسیعی ایجاد شد. لذا تعامل و همکاری با کشورهای قاره آفریقا با ظرفیت ۵۴ کشور در حال توسعه، به راحتی می‌توانست در جهت اهداف کشور بکار گرفته شود. به اختصار می‌توان گفت که جهت‌گیری‌ها و رویکردهای اجرایی ایران در رابطه با آفریقا بر این محورها استوار بوده است: (۱) برخورداری از حمایت کشورهای آفریقایی در مجامع بین‌المللی از جمله مسائل هسته‌ای، حقوق بشر، توسعه مناسبات با اتحادیه آفریقا و سازمان‌های منطقه‌ای؛ (۲) افزایش حجم مبادلات تجاری با آفریقا؛ (۳) بسط و ترویج فرهنگ اصیل اسلام در آفریقا و شناساندن فرهنگ و ادبیات غنی ایران (باقری، ۱۳۸۸: ۴۳). ایران، از دیگر مناطق مورد توجه در سیاست خارجی جهان سوم‌گرایی بود. از دید دولتمردان احمدی‌نژاد، اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در منطقه آمریکای لاتین عبارتند از: (۱) تهدیدزدایی از پیرامون نظام جمهوری اسلامی؛ (۲) فرصت‌سازی و ایجاد ظرفیت‌های نوین متقابل؛ (۳) گسترش عمق استراتژیک جمهوری اسلامی. شاید بتوان ماهیت انقلابی و ضدامپریالیستی بسیاری از این کشورها را مهمترین عامل نزدیکی ایران به آنها دانست.

۱۳۱

#### ریشه‌های سیاست خارجی دوسویه ایران در سال‌های (۸۸-۹۲)

از میان عواملی که بر تقابلی-تهاجمی شدن سیاست خارجی ایران از یکسو و تعاملی-فعال شدن آن از سوی دیگر در سال‌های ۸۸-۹۲ تأثیرگذار بوده می‌توان به عوامل روانشناختی، اجتماعی، سیاسی، تاریخی و خارجی اشاره کرد. عامل روانشناختی بر ویژگی‌های فردی، به ویژه نظام باور رئیس‌جمهور تمرکز دارد. به نظر می‌رسد دولتمردان ایرانی در نحوه نگاه به نظام بین‌الملل شباهت بسیار زیادی با حضرت امام خمینی (ره) دارند. سیاستگذاران ایرانی بعنوان افرادی معتقد و راسخ در ایمان انقلابی خود و متأثر از جنگ تحمیلی هشت ساله، بر این باور هستند که نمی‌توانند به کمک دنیای خارج به ویژه غربی‌ها و آمریکا امیدوار بود، و جنگ تحمیلی به خوبی نشان داد که تنها جامعه بین‌المللی می‌تواند حق ایران را پایمال کند، بلکه کنوانسیون‌ها و قواعد

حقوق بین‌الملل و حتی سازمان‌هایی چون سازمان ملل نیز می‌توان نادیده انگاشته شود، یا در راستای تثبیت قدرت زورگویان دستکاری گردد.

از سوی دیگر، به نظر می‌رسد ایران بر این باور قلبی است که دشمنان ایران به ویژه آمریکا و اسرائیل در ضعیف‌ترین وضعیت خود قرار دارند، و آمریکا در سرایشی افول و اسرائیل در سرایشی نابودی قرار دارد. این طرز فکر می‌تواند موجب افزایش اعتماد به نفس ایران در سیاست خارجی خود و در نتیجه تقابلی‌تر شدن آن شده باشد. سبک رهبری و شیوه تصمیم‌گیری رهبران با چگونگی مدیریت اطلاعات و اطرافیان نیز از متغیرهای فردی موثر بر سیاست خارجی کشور است (دهقانی فیروزآبادی (ب)، پیشین: ۷۰). در مورد دولت سیاست خارجی ایران می‌توان اشاره کرد که دولتمردان ایرانی بر این عقیده بودند که می‌باید زمینه را برای ظهور امام زمان آماده کنند و مدینه فاضله را در ایران و متعاقب آن در جهان برپا نمایند. بر این اساس، آنان خواهان عدالت و نظام‌های عادلانه جهانی بوده و در جهت تغییر نظام‌های موجود تلاش کردند. یکی از تاکتیک‌های اصلی ایران در راستای رسیدن به اهداف کلان خود، از قبیل عدالت‌خواهی و معنویت‌گرایی، بکار بردن دیپلماسی عمومی برای برقراری ارتباط با افکار عمومی جهان بود. می‌توان گفت اقشار متوسط جامعه بیشتر به برقراری رابطه با دنیای غرب دل‌بسته و معتقد بودند که چاره‌ای جز کنار آمدن با غرب نیست، اما اقشار پایین جامعه به غرب، به ویژه آمریکا اعتمادی ندارند و این به خوبی بر سیاست خارجی احمدی‌نژاد تأثیرگذار بوده است. بر این اساس اهدافی مانند: ظلم‌ستیزی، مبارزه با استکبار و حمایت از مستضعفان نیز در سیاست‌های اعلامی و اعمالی نظام سیاسی جایگاه محوری پیدا می‌کنند؛ چنانچه حمایت از ملت مظلوم فلسطین و مبارزه با اسرائیل طی این سال‌ها به یکی از اصول ثابت سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تبدیل شده است (مولانا و محمدی، پیشین: ۱۴۲). بالاخره اینکه دولتمردان ایرانی که از بازماندگان جنگ تحمیلی‌اند، به چشمان خود شاهد نفاق غرب در ارتباط با ایران بوده و این موجب شده به هیچ وجه ظاهر فریبنده و شعارهای غرب مانند: دموکراسی و حقوق بشر، آنها را نفریبد.

بارزترین وجه تجدیدنظرطلبانه سیاست خارجی ایران نیز در مقابله با نظام جهانی، به ویژه آمریکا مطرح بود. ایران در سال‌های ۸۸ تا ۹۲ سیاست خارجی را بر تعاریف خود از نظام بین‌الملل بنا نهاد و سعی کرد تا از انفعالی که معتقد بود دولت‌های قبل به آن دچار بودند و نتوانستند در چارچوب اهداف انقلاب اسلامی عمل کنند، در اقدامات خود بپرهیزد. از سوی دیگر، برقراری ارتباط با کشورهای غیرسلطه‌گر نیز در سیاست خارجی ایران احیا گردید، و براساس همان آرمان اولیه انقلاب تلاش شد با دولت‌ها و جوامع مستضعف ارتباط فعال‌تری برقرار شود. اما عامل تاریخی، دقیقاً به این مسأله برمی‌گردد که ایران به صورت سنتی نسبت به غرب تردید داشته و بدبین بوده است. این مسأله که ریشه در تاریخ ایران دارد موجب شده، دولتمردان ایرانی در مجموع نسبت به دنیای خارج، و ارتباط با آن بدبین و مردد باشند و این بدبینی بر سیاست خارجی ایران



در طول تاریخ به ویژه پس از انقلاب اسلامی، تأثیرگذار بوده است. همچنین، حافظه تاریخی ایران پر است از نفوذ قدرت‌های خارجی در کشور و آسیب‌های ناشی از این دخالت‌ها. بنابراین، در مورد تأثیر عوامل تاریخی بر تفکر و تصور ایرانیان، دیدگاه منفی آنان نسبت به برقراری روابط نزدیک با ابرقدرت‌ها به ویژه آمریکا اجتناب‌ناپذیر است. ترکیب متناقضی از افتخار به فرهنگ ایرانی و احساس قربانی شدن، سبب شده است تا مردم ایران از حس شدید استقلال‌طلبی و فرهنگ مقاومت در برابر زور و سلطه از سوی قدرت‌های بیگانه برخوردار شوند (رمضانی، ۱۳۸۸: ۱۴).

و بالاخره رفتار نظام بین‌الملل با جمهوری اسلامی ایران، به ویژه نحوه تعامل غرب با دولت اصلاحات، موجب شده تا ایران سیاست خارجی ماجراجویانه‌ای در قبال آن اتخاذ کند. به‌رغم تحولات داخلی در ایران و تمایل دولت اصلاحات برای بهبود روابط با خارج، به ویژه کشورهای غربی و به‌رغم سیاست خارجی مبتنی بر مدارا، میانه‌روی، اعتمادسازی و ائتلاف‌سازی، ایران در محور شرارت قرار داده شد و کوتاه آمدن ایران در مسأله سیاست هسته‌ای و تعلیق غنی‌سازی موجب نشد غرب امتیازات متقابل از جمله تضمین امنیت ملی کشور را به ایران بدهد و این موجب شد دولت نهم از ابتدا رویکرد تقابل‌آمیز در برابر غرب اتخاذ کند. از سوی دیگر در سال ۱۳۸۶ به‌رغم مذاکرات ایران و آمریکا بر سر حل مشکلات امنیتی عراق، همچنان ایران در رأس حامیان تروریسم در جهان و متهم به حمایت از تروریست‌ها در عراق باقی ماند، و همچنین اتهام حمایت ۱۳۳ تسلیحاتی ایران از طالبان در افغانستان نیز بطور مکرر مطرح گردید، و به اتهامات ایران اضافه شد (امین-زاده، پیشین: ۴۳). ایران این اتهامات را به شدت رد کرد، اما غربی‌ها و به خصوص آمریکا از ادعاهای خود نسبت به ایران دست برنداشتند. در چنین شرایطی اتخاذ سیاست تقابلی با نظام بین‌الملل و آمریکا، که در پی بهانه‌جویی برای ممانعت از دستیابی ایران به توانایی هسته‌ای، پیش‌روی در منطقه و استقرار پایگاه‌های موشکی برای مقابله با نفوذ ایران بود، بهترین گزینه به شمار می‌رفت. ایران نیز در مواجهه با چنین شرایطی توانست با اتخاذ سیاست تقابلی با نظام بین‌الملل، اقتدار جمهوری اسلامی ایران در منطقه و جهان را به نمایش بگذارد. این تقابل در واقع با تعامل همراه بود؛ بدین‌صورت که پیوندهای ایران با کشورهای منتقد نظام بین‌الملل موجود، همچون چین، روسیه و کشورهای آمریکای لاتین، تقویت گردید و همچنین احمدی-نژاد سعی کرد با تقویت دیپلماسی عمومی ایران، به ویژه از طریق ارسال نامه به سران جهان و شرکت در مجامع بین‌المللی در راستای اصلاح نظام بین‌الملل موجود گام بردارد.

در مجموع در ایران در سال‌های ۸۸ تا ۹۲ بازتعریف مجددی از غرب ارائه شد. جمع‌بندی از عملکرد غرب با جمهوری اسلامی آن شد که کشورهای غربی بیش از آنکه در پی تنش‌زدایی و هم‌زیستی باشند درصد تسلیم و تمکین ایران هستند. این نتیجه‌گیری باعث شد تا جمهوری اسلامی سیاست تقابلی در برابر غرب

در پیش بگیرد. این مواجهه‌جویی باعث شد تا آمریکا حمایت اروپا را در پرونده هسته‌ای ایران به دست آورده و در کنار تحریم‌های مختلف ایران، پرونده هسته‌ای ایران را به شورای امنیت ارجاع و قطعنامه‌های مختلف علیه کشور را به تصویب برساند (دهقانی فیروزآبادی(ج)، پیشین: ۵۲۰).

لذا با روی کار آمدن دولت نهم در ایران، فضای روابط با اتحادیه اروپا بسیار سرد و سنگین شد. به غیر از پرونده هسته‌ای که مهمترین و حساس‌ترین محور اختلاف طرفین بود؛ مسایلی چون هولوکاست و اظهارات احمدی‌نژاد در این رابطه به این فضای سخت دامن زد. تغییر نوع و فضای گفتگو با کشورهای گروه ۵+۱ بر این شرایط دشوار تأثیر منفی گذاشت، تا جائیکه در موضوع هسته‌ای ایران تقریباً بالاترین حد همگرایی و اتفاق نظر بین اعضای اتحادیه مشاهده شد (خالوزاده و افضل، پیشین: ۱۷). در دوره ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ روابط سیاسی و اقتصادی ایران و اروپا به نحو بارزی کاهش یافت. تبادل هیأت‌ها و رفت و آمدهای دیپلماتیک در حداقل خود قرار گرفت. اتحادیه اروپا، در ژوئن ۲۰۰۸ اعلام کرد تا زمانی که ایران به شفافیت و اعتمادسازی در برنامه هسته‌ای خود دست نزند، از برقراری روابط گسترده با آن خودداری خواهد کرد.

پرونده هسته‌ای ایران در سال‌های ۸۸ تا ۹۲ مجدداً ابعاد جدیدی یافت و استراتژی هسته‌ای کشور از «جلوگیری از ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت» به استراتژی «دستیابی به فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای و عدم تعلیق مجدد فعالیت‌ها» تغییر کرد. در این راستا هرگونه همکاری مسالمت‌آمیز و تعلیق داوطلبانه کنار گذاشته شد و دولت با تأکید بر این نکته که صرفاً مقاومت و پافشاری بر حقوق هسته‌ای خواهد توانست انرژی هسته‌ای را برای کشور به ارمغان آورد، تاکتیک متفاوتی از روش‌های حکومت پیشین را در پیش گرفت و با فنی و حقوقی خواندن پرونده هسته‌ای ایران امکان ارجاع آن را به شورای امنیت رد نمود. کارگزاران سیاسی وقت از مخالفت تلویحی تهران با بسته مشوق‌های اقتصادی و سیاسی غرب در قبال تعلیق فعالیت‌های غنی‌سازی اورانیوم خبر داد و سرانجام در ۱۸ مرداد ۱۳۸۴، ایران در حضور خبرنگاران داخلی و خارجی فراوری اورانیوم را در اصفهان از سر گرفت. اتحادیه اروپا این اقدام را محکوم کرد (سنایی، ۱۳۹۳: ۱۷۵). در دوم شهریور ۸۴، بریتانیا، آلمان و فرانسه مذاکرات قبلی خود را با ایران به دلیل از سرگیری فعالیت‌های اتمی در اصفهان لغو کردند. فرانسه از سرگیری فراوری اورانیوم را ناقض مفاد توافقنامه پاریس (نوامبر ۲۰۰۴) اعلام نمود. در ۱۴ شهریور همان سال، لاریجانی؛ دبیر جدید شورای عالی امنیت ملی درخواست اتحادیه اروپا مبنی بر اینکه ایران تا پیش از اجلاس ۲۹ شهریور آژانس فعالیت‌های غنی‌سازی خود را به حالت تعلیق درآورد، رد کرد. ایران در اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل پیشنهاد کرد برای تعدیل نگرانی‌ها همه کشورها در برنامه هسته‌ای ایران مشارکت کنند. آنها همچنین خواستار تشکیل کمیته‌ای در سازمان ملل برای مقابله با «آپارتاید اتمی» شد. آمریکا و اتحادیه اروپا، واکنش تندی به سخنان رئیس‌جمهور ایران نشان دادند و از آژانس خواستند پرونده ایران را به شورای امنیت ارجاع دهد. در سوم مهر ۸۴، قطعنامه شورای حکام با اکثریت آراء به تصویب

رسید و از ایران خواست مذاکرات با ۳ کشور اروپایی را از سر بگیرد، پروتکل الحاقی را به تصویب قوه مقننه برساند و غنی‌سازی اورانیوم را متوقف کند. ایران ضمن تأکید بر ادامه مذاکرات، موارد فوق را رد کرد. در ۲۱ دی، ایران غنی‌سازی اورانیوم جهت مصارف تحقیقاتی را از سر گرفت. در ۲۳ دی، وزرای خارجی بریتانیا، فرانسه و آلمان اعلام کردند که مذاکرات اتمی با ایران به بن‌بست رسیده است و آنها می‌خواهند شورای امنیت در این پرونده مداخله کند. سرانجام در ۱۲ بهمن ۸۴، وزیران خارجه آمریکا، روسیه، بریتانیا، فرانسه، چین و آلمان و نماینده اتحادیه اروپا در اجلاسی در لندن با صدور بیانیه‌ای، درخواست کردند شورای حکام آژانس در نشست فوق‌العاده خود موضوع فعالیت هسته‌ای ایران را به شورای امنیت گزارش کند. در روز ۱۶ بهمن، در اجلاس اضطراری آژانس بالاخره ارجاع «گزارش» پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت تصویب شد. شورای امنیت از مارس ۲۰۰۶ تا ژوئن ۲۰۱۰ یک بیانیه و ۶ قطعنامه (حاوی ۴ قطعنامه تحریمی علیه ایران) تصویب نمود. سه قطعنامه اولیه شورای امنیت (قطعنامه‌های ۱۶۹۶، ۱۷۳۷ و ۱۷۴۷) در فاصله کمتر از ده ماه پس از اولین سالگرد انتخابات دولت نهم به تصویب رسید. لذا با روی کار آمدن دولت نهم عملاً دوران تیره‌ای از مناسبات ایران و اروپا شروع شد. در سال ۲۰۰۸، در اجلاس وزرای خارجه اتحادیه نام سازمان مجاهدین خلق (منافقین) از فهرست گروه‌های تروریستی اتحادیه اروپا خارج شد (خالوزاده، ۱۳۹۰: ۱۸۶). اتحادیه اروپا نسبت به رفتار با ایران به تعامل با آمریکا نزدیک شد و اروپا و آمریکا حول موضوع مخالفت با چرخه کامل سوخت ۱۳۵ هسته‌ای در ایران به یک نقطه اشتراک رسیدند (قهرمان‌پور، ۱۳۸۷: ۱۸۵).

در این دوران تحریم‌های مختلفی توسط اروپا علیه ایران اعمال شد. وزیران خارجه اتحادیه اروپا در ۲ بهمن ۱۳۸۵ در بروکسل اجرای تحریم‌های در نظر گرفته شده در شورای امنیت علیه ایران (قطعنامه ۱۷۳۷) را تصویب کردند. این مصوبه محدودیت‌ها و همچنین تحریم‌های مالی بر علیه برخی از موسسات و شخصیت‌های ایرانی را به دنبال داشت. سران کشورهای عضو اتحادیه اروپا در پایان نشست خود در بروکسل در سال ۱۳۸۶ بیانیه‌ای ۹۰ ماده‌ای منتشر کردند. در بخشی از این بیانیه به ایران هشدار داده شد که در صورت عدم توقف غنی‌سازی اورانیوم با تحریم‌های بیشتری مواجه خواهد شد. پارلمان اروپا نیز در ژوئن ۲۰۰۸ در قطعنامه‌ای از کشورهای عضو خواست صدور هرگونه فناوری هسته‌ای را به ایران ممنوع کنند (خالوزاده و افضلی، پیشین: ۳۵). کشورهای اروپایی در نشست ۳ تیر ۱۳۸۷ لوکزامبورگ، تحریم‌هایی را توسط وزیران کشاورزی و صید کشورهای اروپایی علیه ایران به تصویب رساندند. در این بیانیه، تحریم‌ها شامل اعطای وام، ضمانت‌های بازگانی و بیمه برای صادرات می‌شد. رویکرد تحریم‌های سخت اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۰ روند پرشتابی گرفت. پس از صدور قطعنامه ۱۹۲۹ (۱۹ خرداد ۱۳۸۹)، سران اتحادیه اروپا در ۱۶ ژوئن ۲۰۱۰ در زمینه تحریم‌های شدیدتر علیه ایران، به توافق رسیدند. اروپا اعلام کرد که تحریم‌هایی را در بخش‌های انرژی،

سرمایه‌گذاری جدید، کمک فنی و نقل و انتقال فناوری، تجهیزات و خدمات مربوط به این حوزه‌ها به ویژه حوزه‌های مربوط به پالایش، گدازش و فناوری گاز طبیعی مایع شده اعمال می‌کند. وزیرای خارجه اتحادیه نیز دو روز قبل از آن طی نشست در لوکزامبورگ تحریم‌هایی فراتر از تحریم‌های سازمان ملل شامل تحریم‌هایی در زمینه صنایع نفت و گاز، حمل و نقل، بیمه، بانکداری، انتقال فناوری، تجهیزات و خدمات علیه ایران را تصویب کردند. در ۱۲ اوت ۲۰۱۰، اتحادیه اروپا ایجاد سرمایه‌گذاری مشترک در حوزه‌های صنایع نفت و گاز طبیعی و موضوع وابسته به آن را ممنوع کرد. علاوه بر آن تأمین بیمه و بیمه اتکایی به دولت ایران، واردات و صادرات تسلیحات و تجهیزات دوگانه، فروش عرضه یا انتقال تجهیزات انرژی و فناوری مورد استفاده ایران برای پالایش، میعان‌سازی گاز طبیعی، اکتشاف و تولید نیز مشمول تحریم‌ها قرار گرفت.

در ماه مه ۲۰۱۱، وزیرای خارجه اتحادیه اروپا نام صد شخص و شرکت جدید از جمله خطوط کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران را به لیست شرکت‌ها و افراد شامل تحریم خود اضافه کردند. در اول دسامبر ۲۰۱۱، اتحادیه اروپا نام ۱۸۰ ایرانی را به لیست تحریم‌های خود اضافه کرد. در ۲۳ ژانویه ۲۰۱۲ اتحادیه اروپا عقد هرگونه قراردادهای جدید واردات، خرید و یا حمل و نقل نفت خام ایران و فرآورده‌های نفتی را ممنوع اعلام کرد. در این زمان همچنین دارایی‌های بانک مرکزی ایران در اروپا مسدود و تجارت طلا و سایر فلزات گرانبها با بانک‌ها و نهادهای دولتی ایران ممنوع شد. در ۲۳ فروردین ۱۳۹۱، وزیران خارجه اتحادیه اروپا در اجلاس بروکسل تصمیم گرفتند واردات نفت از ایران را به کشورهای اروپایی تحریم کنند.

۱۳۶

مناسبات ایران و اروپا در این دوران در بعد حقوق بشر نیز تیره و تار بود. اتحادیه اروپا معتقد بود که ایران به میثاق‌نامه‌ها و کنوانسیون‌های حقوق بشری احترام نمی‌گذارد. اتحادیه اروپا در موقعیت‌های مختلف، نظریات خود را در این خصوص به ویژه از طریق پارلمان اروپا ابراز می‌کرد. گفتگوهای حقوق بشری که میان ایران و اروپا جریان داشت عملاً از سال ۲۰۰۴ متوقف شد و اتحادیه اروپا قطعنامه‌های مختلفی در خصوص نقض حقوق بشر در ایران صادر نمود (گلشن‌پژوه (ب)، ۱۳۹۰: ۶۱). اتحادیه اروپا در قطعنامه‌های مختلفی مدعی نقض حقوق بشر در ایران شد و اقداماتی از جمله تحریم برخی از مقامات و مسئولین را به همین دلیل در پیش گرفت. تیرگی روابط ایران و اروپا تا آخرین روزهای دولت دهم به همان صورت ادامه داشت.

### نتیجه‌گیری

در مجموع در سال‌های ۸۸ تا ۹۲ بازتعریف مجددی از غرب ارائه شد. جمع‌بندی از عملکرد غرب با جمهوری اسلامی آن شد که کشورهای غربی بیش از آنکه در پی تنش‌زدایی و همزیستی باشند درصد تسلیم و تمکین ایران هستند. این نتیجه‌گیری باعث شد تا جمهوری اسلامی سیاست تقابلی در برابر غرب در پیش بگیرد. این مواجهه‌جویی باعث شد تا آمریکا حمایت اروپا را در پرونده هسته‌ای ایران به دست آورده و در کنار

تحریم‌های مختلف ایران، پرونده هسته‌ای ایران را به شورای امنیت ارجاع و قطعنامه‌های مختلف علیه کشور را به تصویب برساند. لذا با روی کار آمدن دولتمردان ایرانی در سال ۸۸، فضای روابط با اتحادیه اروپا بسیار سرد و سنگین شد. به غیر از پرونده هسته‌ای که مهمترین و حساس‌ترین محور اختلاف طرفین بود؛ مسائلی چون هولوکاست و ... به این فضای سخت دامن زد. تغییر نوع و فضای گفتگو با کشورهای گروه ۵+۱ بر این شرایط دشوار تأثیر منفی گذاشت، تا جائیکه در موضوع هسته‌ای ایران تقریباً بالاترین حد همگرایی و اتفاق نظر بین اعضای اتحادیه مشاهده شد. در دوره ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ روابط سیاسی و اقتصادی ایران و اروپا به نحو بارزی کاهش یافت. تبادل هیأت‌ها و رفت‌وآمدهای دیپلماتیک در حداقل خود قرار گرفت. اتحادیه اروپا، در ژوئن ۲۰۰۸ اعلام کرد تا زمانی که ایران به شفافیت و اعتمادسازی در برنامه هسته‌ای خود دست نزند، از برقراری روابط گسترده با آن خودداری خواهد کرد.

پرونده هسته‌ای ایران پس از به قدرت رسیدن سیاستمداران جدید در سال ۸۸ به بعد ابعاد جدیدی یافت و استراتژی هسته‌ای کشور از «جلوگیری از ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت» به استراتژی «دستیابی به فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای و عدم تعلیق مجدد فعالیت‌ها» تغییر کرد. در این راستا هرگونه همکاری مسالمت‌آمیز و تعلیق داوطلبانه کنار گذاشته شد و ایران با تأکید بر این نکته که صرفاً مقاومت و پافشاری بر حقوق هسته‌ای خواهد توانست انرژی هسته‌ای را برای کشور به ارمغان آورد، تاکتیک متفاوتی از روش‌های ۱۳۷ حکومت پیشین را در پیش گرفت و با فنی و حقوقی خواندن پرونده هسته‌ای ایران امکان ارجاع آن را به شورای امنیت رد نمود.

## فهرست منابع

- ۱- احمدی لفورکی، بهزاد (۱۳۸۷): بازدارندگی: کلید حل مسأله هسته‌ای ایران، تهران: موسسه فرهنگی مطالعاتی و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- ۲- امینی، نرجس (۱۳۸۳)، روابط سیاسی آمریکا و اتحادیه اروپا در دوران بوش، تهران: موسسه فرهنگی ابرار معاصر.
- ۳- امین‌زاده، محسن (۱۳۸۶)، «دو قطعنامه، دو رئیس‌جمهور»، سایت امروز.
- ۴- امینی، خوش‌اندام و آرمین، بهزاد (۱۳۸۶)، «تحلیل جایگاه سلاح‌های کشتارجمعی در روابط و مذاکرات ایران و اتحادیه اروپا»، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، ش ۴.
- ۵- باقری، محمد (۱۳۸۸)، دولت نهم و روابط با آفریقا، در مبانی حکمی و سیاست عملی دولت نهم در روابط بین‌الملل، تهران: مرکز پژوهش اسناد ریاست جمهوری.

- ۶- برزگر، کیهان (۱۳۸۸)، «سیاست خارجی ایران از نظر رئالیسم تدافعی و تهاجمی»، فصلنامه روابط خارجی، س ۱، ش ۱.
- ۷- بهزاد، احمد (۱۳۸۳)، کتاب اروپا، ویژه روابط ایران و اتحادیه اروپا، تهران: انتشارات موسسه ابرار معاصر.
- ۸- پرتس، فولکر (۱۳۸۳)، اروپا و طرح خاورمیانه بزرگتر آمریکا، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- ۹- حاجی یوسفی، امیرمحمد (۱۳۸۷)، انقلاب اسلامی ایران و تغییر و تداوم در سیاست خارجی ایران، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- ۱۰- حاج‌جعفری، علی (۱۳۸۳)، «علل نگرانی اروپا از برنامه هسته‌ای ایران»، ماهنامه دیدگاه‌ها و تحلیل‌ها، ج ۱۸، ش ۱۸۶.
- ۱۱- حجازی، حسین (۱۳۸۴)، ارزیابی حقوقی و سیاسی پیشنهادات سه کشور اروپایی به جمهوری اسلامی ایران، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات ابرار معاصر تهران.
- ۱۲- خالوزاده، سعید و افضلی، توحید (۱۳۹۰)، رویکردهای اتحادیه اروپا در قبال ایران، تهران: انتشارات فرهنگی ابرار معاصر.
- ۱۳- خالوزاده، سعید (۱۳۹۰)، نقش آفرینی اتحادیه اروپا در پرونده هسته‌ای ایران، تهران: موسسه فرهنگی ابرار معاصر. ۱۳۸
- ۱۴- دهقانی فیروزآبادی(الف)، سیدجلال (۱۳۸۴)، «گفتگوهای هسته‌ای ایران و اروپا (از آغاز نشست بروکسل)»، فصلنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، س ۱۹.
- ۱۵- دهقانی فیروزآبادی(ب)، سیدجلال (۱۳۸۶)، «گفتمان اصول‌گرایی عدالت‌محور در سیاست خارجی دولت احمدی-نژاد»، فصلنامه دانش سیاسی، س ۳، ش ۵.
- ۱۶- دهقانی فیروزآبادی(ج)، سیدجلال (۱۳۹۱)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، چ ۴، تهران: انتشارات سمت.
- ۱۷- رضانی، روح‌اله (۱۳۸۸)، «درک سیاست خارجی ایران»، فصلنامه روابط خارجی، س ۱، ش ۱.
- ۱۸- سنایی، اردشیر (۱۳۹۳)، «روابط ایران و اتحادیه اروپا پس از روی کار آمدن دولت یازدهم»، مقاله پژوهشی، دوره ۸، ش ۲۹.
- ۱۹- فلاحی، علی (۱۳۸۵)، استراتژی امنیتی اروپا در قبال خاورمیانه، تهران: موسسه ابرار معاصر.
- ۲۰- قهرمان‌پور، رحمان (۱۳۸۷)، رویکرد قدرت‌های بزرگ به موضوع هسته‌ای ایران، تهران: معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی.
- ۲۱- گلشن‌پژوه(الف)، محمودرضا (۱۳۸۴)، پرونده هسته‌ای ایران؛ روندها و نظرها، چ ۱، تهران: موسسه فرهنگی ابرار معاصر.

- ۲۲- گلشن پژوه (ب)، محمودرضا (۱۳۹۰)، حقوق بشر و جایگاه آن در سیاست اتحادیه اروپا در قبال ایران، موسسه فرهنگی ابرار معاصر.
- ۲۳- متقی، ابراهیم (۱۳۸۴)، «محدودیت‌های استراتژیک و بازدارندگی شکننده»، همشهری دیپلماتیک، ش ۵۸.
- ۲۴- مولانا، حمید و محمدی، منوچهر (۱۳۸۷)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دولت احمدی‌نژاد، تهران: نشر دادگستر.

